

تحلیل حقوق کیفری ایران با مولفه های جرم شناسی پست مدرن

داوود گودرزی^۱، سجاد گودرزی^۲

^۱ دانش آموخته ی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (علوم و تحقیقات فارس)، شیراز، ایران.

^۲ دانش آموخته ی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ممسنی، ممسنی، ایران.

چکیده

این مقاله متکفل تحلیل حقوق کیفری ایران با مولفه های جرم شناسی پست مدرن می باشد. در این مقاله برانیم که ابتدا جرم شناسی پست مدرن و مولفه های آن را بررسی، سپس با حقوق کیفری ایران ارزیابی شود. پسانوگرایان مدعی هستند که خطای بزرگ حقوقدانان حقوق کیفری، اثر گذاری مبانی ایدئولوژیک در تعیین مسیر و نحوه ی اقدام حقوق کیفری و جهت دهنده و تعیین کننده بودن آن توسط قدرت سیاسی در تضییق و توسیع قلمرو حقوق کیفری می باشد. جرایم یقه سفید، تفکیک های جنسیتی در قوانین، مذكر مداری قوانین، تفکیک دینی، جرایم تبعیضی، دلیل متقنی بر این مدعاست. مطالب گرد آوری شده بر اساس مطالعات کتاب خانه ای، فیش برداری، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. استفاده از رسالات و مقالات پژوهشی و کتب حقوقی در این زمینه نیز بهره فراونی گرفته شده است. یافته های پژوهش موید این موضوع است که حقوق کیفری ایران با جرم شناسی پست مدرن وجوه افتراق و اشتراک زیادی دارد. قدرت سیال در حقوق کیفری کشورمان، سمت و سوی فرایندهای جرم انگاری و کیفرگذاری را در بستر سیاست کیفری تقنینی مشخص خواهد کرد و با این وصف نیز، تأثیر قدرت بر فرایندهای جرم انگاری و کیفرگذاری، عیان خواهد گشت که از این منظر جرم شناسی پست مدرن، حقوق کیفری کشورمان را بر نمی تابد.

واژه های کلیدی: پست مدرن، حقوق کیفری، قانون مجازات اسلامی

مقدمه

تحلیل و امکان سنجی مولفه های جرم شناسان پست مدرنیته، از منظر ارزیابی و بازتعریف قانون مجازات اسلامی ایران در دوره معاصر حائز اهمیت است. در جرم شناسی پست مدرن جرم را عمدتاً بر ساخت ایدئولوژی نظام سیاسی و فرهنگی حاکم مطرح می کند (ساراپ، ۱۳۹۲: ۹۵) نظم سیاسی کشورها که از طریق ایدئولوژی حاکم، تنظیم و شکل ساختاری خود را باز می یابد. بسته به ماهیت ساختار سیاسی، نظام کیفری را هم شکل می بخشد و جرم انگاری موسّع و پردامنه یا جرم انگاری مبتنی بر مصلحت و یا جرم انگاری مبتنی بر اصل ضرر و غیره، نیز با همین ماهیت سیاسی هماهنگ خواهد بود و تحمیل نرّم یا شدید قدرت نیز از همین طریق صورت خواهد پذیرفت. جرم شناسی پست مدرن^۱، با رد عقلانیت و تکیه و تاکید بر ذهنیت، گفتمان و قدرت به تبیین پدیده مجرمانه می پردازد. این بینش فکری، جرم و قانون کیفری را یک ساخت بندی اجتماعی و سیاسی آنهم در پناه قدرت حاکم تلقی کرده که رسانه های جمعی بطور فزاینده ای در شکل گیری آن نقش دارند (هیکس، ۱۳۹۱: ۳۷). حقوق کیفری پست مدرن، عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم را مورد نقد قرار داده و معتقدند امروز جرایم شکل مادی صرف به خودگرفته و اصل قانونی بودن جای خود را آیین نامه ای شدن داده و جرایم صنفی شده است. (نایجیلی، ۱۳۷۶: ۳۹۲). روند آیین نامه ای و اداری شدن در جهت عقب نشینی حقوق کیفری و ترقیق قانونمندی و خروج از عدالت کیفری به سمت عدالت ترمیمی است. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) آنچه مسلم است این که ماهیت حقوق کیفری پست مدرن، پیچیده، ذهنی، میان رشته ای و بسیار دامنه دار است حتی هیچ اتفاق نظر و اجماعی میان نویسندگان پست مدرن وجود ندارد و گاهی از یک نوع «درون تناقضی» نیز برخوردار هستند. (حسن، ۱۳۸۴: ۵۴) بلحاظ اینکه پسانوگرایی جنبش فکری یکپارچه ای نیست که هدف و زاویه ی مشخصی داشته باشد و نظریه پرداز و سخنگوی واحدی هم ندارد بررسی مفهوم جرم در لابلای این تفکر تا حدود زیادی مشکل و پیچیده است (Longstreet, 2003: 11-15). پرده برانداختن از نقش قدرت در فرایند جرم انگاری و اینکه نظام جرایم و مجازات های تعیینی برای آنها، خود تابعی از مبانی قدرت حاکم بوده، دستاورد مقاله به حساب آمده، چراکه مهر تأییدی بر این حقیقت می گذارد که نوع و حتی میزان جرایم بر اساس قدرت های حاکم و اعتقادات آنان، رُخ نمایانده و بنابراین همیشه چنین نیست که مصلحت فرد، مبنای جرم انگاری ها باشد و نیز توسّل به مفهوم صیانت از «خیر عمومی»، خود نشان از برتری قدرت سیاسی و تأثیر آشکارای آن در تعیین نظام جرایم و کیفرهای تعیینی دارد. به دیگر بیان، در بسیاری موارد، حاکمیت سیاسی کشورها برای حفظ قدرت خویش، از طریق دستگاه جرم انگاری-کیفرگذاری اقدام نموده و بدین طریق شهروندان را در چنبره ی قدرت نگاه می دارد. در مناسبات اجتماعی، ملاحظات مربوط به قدرت را نباید از دیده نهان داشت و قدرت در تمام ارکان و ابعاد حاکمیتی، حضور فعال و سیال دارد. پایگان جرایم با تغییر زمان و دگرگونی در اخلاق و عادات مردمان، تغییر وضعیت خواهد داد و بنابراین، ضرورت بازاندیشی شیوه های رفتاری و طرز مقابله با رفتارهای هنجارشکنانه نیز در میان خواهد بود. تغییر چهره ی قدرت و مشروعیت یا عدم آن در یک جامعه، به دگرگونی نظام سیاسی و حتی تبدیل ارزشها و تعدیل آنها منجر می شود. بازتولید حقیقت و پدیدار گشتن گفتمان های جدید در گذر زمان، لاجرم به تبیین الگوهای هنجاری نوینی منتج خواهد شد که مستقیماً از روابط قدرت و دامنه ی نفوذ آن تأثیرپذیر خواهد بود.

واژه ی پست مدرن بلحاظ ادبی گویای دورانی بعد از مدرنیته است که از ترکیب واژه «پست» به معنای «بعد»، «مدرنیسم» به معنای «تجددگرایی و نوگرایی» می باشد. (مهاجری، ۱۳۸۸: ۲۵۳). اینان با تاکید به برابری حقوق ذاتی همه انسانها و جلوگیری از محرومیت دائمی از حقوق اجتماعی شهروندان، احتراز از هرگونه تبعیض نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی در جرم

¹ Postmodern criminology

انگاری، به رسمیت شناختن اقلیت ها و حقوق آنها، برخورد جدی با جرایم مسئولین دولتی و یقه سفیدها و سلب مصونیت از آنها، نفی مطلق گرایی و با اعتقاد به نسبییت و تکثرگرایی^۱ قرائت جدیدی در مفهوم و ارکان جرم بوجود آوردند و از این جهت نظام های هنجار ساز را مورد نقد قرار می دهند (Henry & Lanier, 319: 2004). با این توصیفات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ترمیمی، ترقیقی و مدنی کردن حقوق کیفری، گام هایی برداشته است، از جمله ماده ۶۶ با تأکیدی بر سازمانهای مردم نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ ق.ا.د. ک در بحث میانجگری ها و قانون کاهش جرایم و مجازات های تعزیری مصوب ۹۲ - که خروج از دگماتیسم کیفری و پذیرش نسبییت است - گامی در ترقیق و تلطیف حقوق کیفری به اعتبار مصالحه و میانجگری و همنوا با جرم شناسی پسانوگرایی است؛ هرچند در برخی موارد تفاوت های جنسیتی و دینی و نژادی این قانون همچنان پابرجا و مخالف اندیشه ی پسانوگرایی است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴) اساسا این تفکر که «فلسفه عدالت سزاگرایی، ناظر است بر مجازات مجرمین به خاطر اینکه سزاوار آن هستند» (صفاری، ۱۳۹۹: ۳۶۷) با اندیشه ی پسانوگرایی در تعارض است؛ چرا که حقیقت مجرمانه در مشی پست مدرن؛ نسبی، ترک خورده، تکه پاره، متکثر، محلی، بومی و بدور از هرگونه عامیت و جهان شمولی است و هیچ چشم انداز و حقیقت مطلق در جهان وجود ندارد. ممکن است امری امروز ارزش و فردا بعنوان یک ضد ارزش و جرم انگاری شود و یا از منطقه ای نسبت به محله ی دیگر دارای ارزش گذاری متفاوتی باشد. از اینرو هر نوع چشم اندازی به جهان تنها بخشی از جهان را تحلیل می کند. مطالعات ما نشان داد رویکرد قانون فعلی حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری ایران در مقایسه با قوانین سابق بر آن، نقشی مشارکت محور و فعال بدون دگماتیسم حقوقی برای بزه دیده در مسیر تحقیقات مقدماتی لحاظ نموده است. افزایش نقش و جایگاه بزه دیده در فرایند کیفری به عنوان یکی از نتایج ظهور و گسترش بزه دیده شناسی حمایتی یاد می شود که در قانون کاهش جرایم تعزیری نمود قابل توجهی داشته است. (اختری، ۱۳۸۹: ۲۶) اندیشمندان پسامدرن در مفهوم نسبییت تا جایی پیش می روند که یکی از نظریه پردازان این مکتب معتقد است؛ تفاوت یک دانشجوی انگلیسی تا یک دانشجوی اسکاتلندی بیشتر است تا یک مجرم و ناکرده بزه. پس مجرمیت خصوصیت ذاتی یک رفتار نیست و امروز باید بجای جرم انگاری از یک مرکز واحد به بومی گری و تصمیم سازی محلی اهتمام ورزید؛ چراکه تنوع سرزمینی مستلزم تنوع قانونگذاری است. پس جرم انگاری که برای یک ایالت خوب است نمی تواند قانون خوبی برای سایر ایالت ها باشد. (عبدالفتاح، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۷۰) با توجه به پیشگفته در این مقاله برانیم، به ارزیابی مولفه های پسانوگرایی بپردازیم سپس مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با آن مقایسه کنیم.

۱. مولفه های جرم شناسی پست مدرن در ساختار جرم

مولفه های پست مدرن ها در ساختار جرم عبارت از: ۱- ذهنیت؛ ۲- قدرت ۳- زبان-۴- نفی فرا روایت ها-۵- رسانه های جمعی می باشد. از این میان، به فراخور نیاز برای بازخوانی مفهوم جرم، این مبانی بررسی می شوند.

۱-۱. جرم برساخته قدرت

قدرت و حاکمیت سیاسی از مهمترین مولفه های پست مدرن در تعریف جرم است. دولت ها اغلب از قدرت خود در جرم انگاری و جرم زدایی استفاده می کنند. از نظر جرم شناسان پست مدرن، "جرم" محصول استفاده از قدرت توسط طبقات حاکم برای محدود کردن رفتار افرادی است که در قدرت و تاثیر گذاری سیاسی نقشی ندارند؛ اما سعی در غلبه بر نابرابری های

¹ • Pluralism

اجتماعی دارند^۱ و به گونه ای رفتار می کنند که ساختار قدرت محدود شود این افراد اپوزیسیون، دگرخواهان و دگرزیست فکری سیاسی هستند که حاکمیت درپناه جرم انگاری سعی در انسداد و وقفه فعالیتهای آنها را دارد. (2: 1998 Carrington, پست مدرنها جرم را ماحصل قانونی می دانند که قانونگذاران تحت تأثیر قدرتمندترین بخش جامعه تدوین میکنند؛ موید این ادعا جرایمی که دولت ها انجام می دهند هیچگاه در لیست بزه های قابل مجازات و مجرمان قرار نگرفته است. در ارتباط با دخالت دولت ها در امر قانونگذاری حقوقدان شهیر «ویشنسکی» در زمان استالین نقل شده است که بیان میکند: «قانون برای فرد در مقابل دولت نیست؛ بلکه برای حمایت از دولت علیه فرد است» (موریس دورگر، ۱۹۶۳: ۴). هیچ تعجیبی ندارد که ترکیب زندانها از افرادی است که لایه های زیرین اجتماع و یقه چرکین ها و حاشیه نشین ها می باشد (نایجیلی ۱۳۷۶: ۳۹۲)

۱-۲. جرم بر ساخته ی بازتاب رسانه ای

زعمای پست مدرن در قرائت خود از جرم شناسی رسانه ای^۲، جرم را بر ساخته نظام فرهنگی- سیاسی و قدرت حاکم می داند که رسانه های جمعی بطور فزاینده ای در شکل گیری آن نقش دارند. (هنری، ۲۰۰۹: ۲۰۱)

پست مدرنیزم با اعتقاد و باور به اینکه جرم بر ساخته نظام قدرت و حاکمیت فرهنگ برتر است، رسانه ها را یکی از عوامل مهم در این راستا می دانند. بویژه اگر رسانه ها، تریبون ها، مطبوعات و... در دست قدرت حاکم باشد. رسانه ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده جنایی نگرش خاصی را به مردم تحمیل می کنند و چگونگی قضاوت آنها را درباره جرم و عدالت کیفری سامان می بخشند. (فرجیها، ۱۳۷۶: ۸۷) رسانه های گروهی بدلیل برخورداری از این ظرفیت یکی از ابزارهای مؤثر برای کنترل نهادها و جریان های قدرتمند و بانفوذ تلقی می شوند. پس رسانه ها قدرت ساخت جرم یا جرم انگاری را نیز دارند. پست مدرن ها مخالف این موضوع هستند و بر این باورند که رسانه ها نباید خود را قیم مردم بدانند و ذهنیت شهروندان را در رفتارهای مختلف طبقه بندی و ترسیم کنند (رحمانیان، ۱۳۷۸: ۷۸-۶۲).

بنابراین رسانه ها می توانند عامل جرم انگاری باشند و همچنین عاملی که به نظام قدرت حاکم مشروعیت ببخشد و یا از مشروعیت خارج کند؛ اما اصولاً رسانه ها در جهت توجیه رفتارهای حاکمیت و در خدمت آنها و در مسیر جهت دهی افکار عمومی و اقناع وجدانی آنها از رفتارهای حاکمان و حاکمیت هستند (دلماز مارتی، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۰۴).

۱-۳. جرم بر ساخته ذهنیت^۳ (به جای عینیت)

به اعتقاد طرفداران این مکتب، هر فرهنگ برای قضاوت در مورد حقیقت، معیار خاص خود را دارد، که ذاتاً بر فرهنگ دیگر برتری ندارد و ساختار ارزشها، که در قانون منعکس شده است، در طول زمان تغییر می کند و به شدت تحت تأثیر بافت فرهنگی آن نظام های ارزشی می باشد به عبارت دیگر، قواعد و هنجارها و ارزشهای اجتماعی، قراردادی هستند و حقیقت فاقد مفهوم عینی است (Druzin, 2012: 41-56). حقوق مدرن بر مفهوم عقلانیت تجربی به عنوان ارزش استوار است پست مدرنیسم شناخت حاصل از عقل تجربی را معتبر نمی داند. (شهابی، ۱۳۹۲: ۶).

^۱ - از این حیث، جرم تنها حاصل یک طبقه بندی رفتار است که منافع و ارزش های گروه صاحب قدرت را تضمین یا منعکس می کند.

^۲ newsmaking criminology

^۳ Subjectivity

به باور کانت جهانی که در آن به سر می بریم و ادراکش می کنیم، به کیفیات ذهن مدرک وابسته است، نه اینکه وجودی مستقل از آن داشته باشد. به تعبیر کانت، حقیقت «تنها در مغز ما» وجود دارد (هیکس، ۱۳۹۱: ۵۳).

نیچه، حقیقت را افسانه ای می داند که ساخته ذهن بشری است و مجرم و همنوا صرفاً مصنوعات ذهنی بشری هستند به باور وی، هرگونه بینشی مبتنی بر حقیقت صرفاً تفسیر یا برداشتی است منبعث از خواست قدرت (نیچه، ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶). از این منظر، هر نگاهی به جهان، ناگزیر از خلال چشم اندازی خاص می نگرد. از آنجا که هر چشم اندازی تنها دریچه ای به بخشی از حقیقت جهان است، هیچ نگاهی نمی تواند مدعی شناخت مطلق یا برتری نسبت به سایر نگاه ها باشد (واربرتون، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۶). به عبارت دیگر، در بینش چشم انداز باوری^۱ هیچ ترجیحی برای برتر دانستن یک چشم انداز نسبت به سایر چشم اندازها وجود ندارد. نسبت به این معنا است که ارزش ها، باورها، اخلاق و حقیقت و حتی جرم جملگی اموری نسبی و احتمالی و شخصی اند، نه مطلق، ضروری یا جهان شمول، این بدان معنا است که هر نوع ادعایی تنها در نسبت با ادعایی دیگر صحیح است و هیچ ادعایی نمی تواند مطلقاً صحیح باشد (وارد، ۱۳۹۲: ۲۸۷) پس رفتار مجرمانه و یا غیر مجرمانه تنها ذهنیت ما در جامعه ای است که در آن زندگی میکنیم و تغذیه آن از طرف قدرتمندان است. در جامعه ای همجنس بازی آزاد و در جامعه ای دیگر نتیجه ی چنین رفتاری، مرگ است. مهم ترین ارمغان ذهنیت برای اندیشه پست مدرن، همانا نفی «حقیقت بنیادین»^۲ به عنوان و اساس نظام فکری مدرنیسم است. در اندیشه پست مدرن، حقیقت صرفاً «برساخته ای ذهنی» است نه امری عینی و بیرونی. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۱). این دیدگاه پسانوگرها با مفروضات و حدود الهی در تعارض است.

۱-۴. جرم بر ساخته زبان (به جای حقیقت)

از دیدگاه جرم شناسان پست مدرن، قانون کیفری تجلی زبان مسلط طبقه حاکم است. نهاد دادگستری از مجرای قوانین و ایجاد ممنوعیت ها و محدودیت ها، مجری خواست طبقه ی مسلط است (نوذری، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۸). یعنی نهاد دادگاه جنایی که با به نمایش درآوردن محاکمات، که جامعه از طریق آن به بازسازی ارزشهای اساسی خود اقدام می کند، اساساً بر یک زبان مسلط تکیه دارد. جرم قبل از قانون وجود نداشته است و قانون، کاشف جرم نیست؛ بلکه واضع جرم است (بست، ۱۳۷۲: ۱۰۴). بزعم اینان همان اندازه قوی ترین علوم آزمایشگاهی در مورد یک قضیه میتوانند درست اعلام نظر کنند که یک دناویس هندی..... ویتگنشتاین فقط بازی های زبانی مختلفی وجود دارد که براساس آن به برخی پدیده ها صرفاً با واژگان و زبان، معناهایی را نسبت می دهیم. این موضوع بدین معناست که چیزی به نام جرم طبیعی وجود ندارد (1995: 16, Morrison).

در نتیجه این در جای دیگر بودن متن، معنای آن را با تکثیر پیوند می زند از اینرو وقتی معنای جرم را در متن اجتماع بررسی میکنیم بهتر است این مفهوم را به زبان محلی تفسیر کنیم واز یکسو نگرانی وجهت دار بودن این مفهوم دست برداریم (آقایی، ۱۳۸۸: ۵۲). این همان نگاهی است که فیلسوف اسپانیایی، ارتگاست بدان قائل بود: یعنی به اندازه دیدگاه هایمان، حقایق وجود دارد. این نگرش در خصوص برداشت از جرم نیز بی تأثیر نیست (ریفکن، ۱۳۸۳: ۸۰). در حقوق کیفری این سوال راجع به روایتها پیرامون وقوع جرم پیش می آید؛ آیا این داستانها و روایتهایی که بواسطه شهروندان، شاهدان، گزارشات روزنامه ها،

¹ Perspectivism

² Deep truth

که در گزارش یک جرم و گردآوری شده در یک پرونده تأثیر گذار می باشد؟ هر شاهد جرمی اظهارات خود را بر مبنای دید شخصی اش و حقایق را بر پایه خواسته ها و امیال خود بیان می کند. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶).

در اندیشه بارت، همه متن ها بینا متنی هستند. هیچ متنی از خلأ خلق نمی شود، بلکه همواره با ارجاع به متون دیگر ساخت می یابد. بارت این مطلب را با گزاره ای شیوا بیان می کند: «این زبان است که سخن می گوید، نه مؤلف» به باور وی، خواننده حین مواجهه با متن و خوانش آن، خود به مؤلف بدل می شود و مرگ مؤلف را رقم می زند. بنابراین حتی قاضی هم در تفسیر زبان قانونگذار ممکن است متنی تازه خلق کند (استراترن، ۱۳۸۹: ۳۱). اختیاراتی که قانونگذار در بایگانی کردن پرونده و معامله اتهامی و ارجاع برای توافقات اصحاب دعوی در مواد ۸۰-۸۱-۸۲-ق. آ. د. ک. صادر می کند، بر پایه ی ساختار زبانی و تنوع برداشت ها و گفتگوهای جلسه ی رسیدگی است که بر اساس مولفه ی زبان در قانون شکل گیری شده است.

۱-۵. نفی فرا روایت ها

پدر پسانوگرایی، لیوتار، نفی فرا روایت ها و اصول را شاخصه و مؤلفه اصلی پسانوگرایی می داند. فراروایت به معنای هر کوشش نظری برای یافتن اصل یا قواعد کلی حاکم بر روابط بشری و فعالیت های اجتماعی است. بعبارت دیگر پسانوگرایان با هر گونه مرکزگرایی و اصول گرایی مخالفند و به هیچ حقیقت مطلق و ثابتی اعتقاد ندارند و هیچ اصلی و اصولی را نمی پذیرند و با احترام گذاشتن به تفاوت فردی و فرهنگی به حیات و زندگی بشری تنوع می بخشیم همانطور که لیوتار می گوید: «کار ما عرضه حقیقت نیست، اجازه دهید تفاوت ها را فعال کنیم و حرمت آنرا پاس بداریم (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۳). پس هیچ اصل یا مفهومی در دنیا وجود ندارد که مبنای سایر مفاهیم باشد. (kiely, 1995: 154-153). جامعه ای که انسانها را یکدست می کند و ارزش ها را از مجرای حقوق کیفری تحمیل می کند، حتی اگر جامعه هنجار ساز و مذهبی باشد، انسان را به نا- انسان تبدیل میکند. از نظر میشل فوکو، یکسونگری در اعمال حقوق و قوانین و جرم انگاری توسط دولت، جای خود را به روایت های محلی بدهند؛ چرا که مشکلات محلی محتاج راه حل های محلی است. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷) ایجاد اصول قانونی از طریق ایجاد تمایز میان افراد و جدا کردن آنها از یکدیگر بر مبنای تفاوت هایی نظیر اصول و قواعد بهنجار و نابهنجار، عاقل و دیوانه، مجاز و ممنوع، نسبت به افراد هویت بخشی می کند. در نتیجه برای آنها هویتی درست می کند که خود را در آئینه آن ادراک می کنند (استنگروم و گاروی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

۲. تحولات پسانوگرایی در عناصر متشکله جرم

علاوه بر این تلقی کلی پسانوگرایانه از جرم، امروزه شاهد تحولاتی پیرامون عناصر تشکیل دهنده جرم در تفکر پسانوگرایی هستیم:

۱-۲. تحول در عنصر قانونی

بزعم پست مدرن ها اصل قانونی بودن برعکس دیدگاه بانیان آن، در جهت منافع گروه های خاص در پناه جرم انگاری سوگرایانه و جهت دار نه تنها در جهت حفظ حقوق و منافع مردم نمی باشند بلکه حتی در جهت تقویت قدرت حاکم و تضعیف جایگاه (مردم، مورد سوء استفاده قرار میگیرد (دورگر، ۱۹۶۳: ۱۰)

۲-۱-۱. از قانونمندی حقوق کیفری تا آیین نامه ای و قابل گذشت شدن حقوق کیفری

به باور پست مدرن، اصل قانونمندی بکار یا برعکس تفکر وی امروزه قانون را بعنوان مظهر خواسته های قدرت، تلقی کرده و حاکمیت قانون، که روزی به مثابه تضمینی برای آزادی های فردی محسوب می شد، امروز به پوششی برای حاکمیت دولت تبدیل گردد. از سوی دیگر، امروزه باید از آیین نامه ای شدن یا اداری شدن حقوق کیفری نیز به مثابه تحولی که به منزله ترقیق قانونمندی در جهت عقب نشینی حقوق کیفری است، یاد نمود. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با شیوه احصایی قانونی اقدام به برشمردن جرایم قابل گذشت نموده و اشعار می داشت: «علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می شوند که در این بخش همسو و همنا با اندیشه پست مدرن می باشد. نمونه دیگر آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب معاون اول رییس جمهور است. ماده ۲ این آیین نامه که برحسب نمرات منفی متخلف، ضبط گواهینامه و حتی ابطال آن و جزای نقدی، توسط اداره راهنمایی رانندگی انجام می گیرد و در ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف کنندگان، تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه ویژه روحانیت توسط نهادهای اجرایی و نه تقنینی نمونه بارزی از این رویکرد است (موسوی مجاب، ۱۳۸۶: ۷۶) در واقع هر مقدار از دگم قانونی خروج و به سمت آیین نامه ها حرکت کنیم شاهد نوعی هماوایی با جرم شناسی تکثرگرای پست مدرن هستیم.

۲-۱-۲. تحول در عنوان گذاری جرایم

یکی دیگر از تحولاتی که به موازات آیین نامه ای شدن حقوق کیفری شاهد آن هستیم، تحول در عنوان گذاری جرایم است. در واقع، همزمان با زیرسؤال رفتن فرا روایت های کیفری - که اساس تفکر پست مدرن است - قانونگذاران در وصف گذاری برای جرایم جدید با دشواری هایی روبرو شده اند، که خود نشان از خدشه دار شدن کلان روایت های کیفری است. جرایمی که تحت عنوان «در حکم محاربه و افساد فی الارض» در نظام کیفری ما سربر آورده است، بی آن که تطابقی با تعریف اصل محاربه داشته باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۶۹).

۲-۲. تحولات مربوط به عنصر مادی

۲-۲-۱. فنی - تخصصی شدن رفتار مجرمانه

حقوق کیفری امروز از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را که جرم انگاری می کند، بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند. بنابراین می توانیم بگوییم که شاخه هایی مثل حقوق کیفری اطلاعات و ارتباطات، حقوق مالکیت فکری، حقوق کیفری هسته ای، حقوق کیفری محیط زیست و... نشان از تخصصی شدن حقوق کیفری دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۶۹۲).

۲-۲-۲. صنفی شدن رفتار مجرمانه

صنفی شدن به یک معنا شاید تحول چندان جدیدی هم نباشد. به عنوان مثال دیر زمانی است که ما حقوق کیفری نظامیان را شاهد هستیم. امروزه حرکت به سمت قضا زدایی، تمرکز زدایی از حقوق کیفری در جهت حضور سایر سازمانهای اجتماعی و اداری و مردم نهاد می باشد. به این ترتیب برخی رفتارها، نظیر تخلفات ورزشی یا پزشکی که در کمیته های انضباطی فدراسیون های ورزشی یا پزشکی مورد رسیدگی قرار میگیرد، عنوان تخلف اداری یافته اند (گزارش جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۹).

۲-۲-۳. مطلق بودن رفتار مجرمانه

توجه به ارزش های جدید و اهمیت آن ها سبب شده است تا حقوق کیفری، نفس رفتار صورت گرفته را صرفنظر از این که نتیجه ای بر آن مترتب باشد یا خیر جرم انگاری کند. صدور چک بلامحل یا نفس پیشنهاد رشوه، قطع نظر از نتایج مترتب بر آن در جهت مبارزه با فساد و کنترل نظم و امنیت، در برخی کنوانسیون های بین المللی نظیر کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) ۲۰۰۳ نیز دیده می شود. (اسکور ادوین، ۱۹۷۱: ۱۷۷)

۲-۲-۴. ارتکاب جرایم از طریق ترک فعل

یکی دیگر از تحولاتی که در حوزه مربوط به عنصر مادی جرم، با آن روبه رو هستیم، افزایش جرم انگاری رفتارهایی است که جنبه سلبی دارند. این شیوه جرم انگاری و توسعه قلمرو و ترک فعل در حوزه مربوط به بزه دیدگی اطفال، جرایم اقتصادی و جرایم امنیتی نیز به روشنی قابل مشاهده است. به عنوان مثال در قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد ۱۳۹۰ علاوه بر مسئولان و مدیران ادارات، به موجب تبصره ماده ۱۳ اگر کارکنان دستگاه های موضوع قانون مزبور، وقوع جرایم را گزارش ننمایند، مرتکب جرم تلقی می شوند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۲۹۶)

۲-۳-۲. تحولات مربوط به عنصر روانی

۲-۳-۲-۱. ظهور جرایم با مسئولیت مطلق

امروزه روند جرم انگاری ها به سمت جرایم مادی صرف است. یعنی قانون گذار هنگام جرم انگاری، سوء نیت را نه این که لازم نداند، بلکه وجود آن را در رفتار صورت گرفته، مفروض تلقی می کند و دادستان را معاف از ارائه دلیل مبنی بر وجود سوء نیت می داند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۵۵).

۲-۳-۲. تقلیل جرم به شبه جرم

جرم در تلقی تفکر مدرن نقض ارزش های اساسی و نظم عمومی جامعه خوانده می شود؛ حال آنکه در مفهوم پسانوگرایانه ای عدالت ترمیم، جرم قبل اینکه نقض ارزشهای جامعه باشد لطمه به روابط شخصی افراد است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۲) بر این اساس جرم شناسان پست مدرن به جای توسل دولت به خشونت، استفاده از پاسخ های اجتماعی و صلح جویانه، رویکردهای توافقی و تصالیحی و ترقیاتی را توصیه می کنند و می گویند «سیاست های اجتماعی زورگویانه صرف، مشکل جرم را تداوم می بخشد؛ مجازات، مانند رفتن به جنگ است و مردمی که به جنگ می روند بر این باورند که خشونت نتیجه بخش

است و در نتیجه متوسل به خشونت می شوند» (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۷۳). بدین سان مفهوم جرم، در عدالت ترمیمی^۱، مفهومی عینیت یافته و ترقیق شده است و جنبه مدنی یافته است. ماده ۶۶۲ با تأکیدی بر سازمانهای مردم نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ ق.ا.د.ک. مصوب ۹۲ گامی در ترقیق و تلطیف حقوق کیفری به اعتبار مصالحه و میانجگری است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴)

۳. قرابت یا غرابت قانون مجازات اسلامی با تفکر پست مدرن

بلحاظ دامنه گسترده قوانین مجازات اسلامی، به بررسی موردی موادی از قانون مجازات اسلامی اکتفا می شود.

۳-۱. جرایم تبعی و تبعیضی

در خصوص جرایم تبعی، در ماده ۲۳ و بویژه ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، فرد محکوم از حقوق اجتماعی محروم می شود این محرومیت از داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری تا شوراهای شهر و روستا، محرومیت از اشتغال و استخدام در کلیه دستگاههای حکومتی و سایر محدودیت ها و محرومیت ها را شامل می شود. جرایم تبعی که شهروند از حقوق ذاتی محروم می کند مخالف جرم شناسی پست مدرن می باشد.

با عنایت به پیشگفته، قدری تسامح در حقوق کیفری پست مدرن جرایم به دو قسمت تقسیم میشوند:

الف) جرایم تقلیل دهنده مادی: جرایمی هستند که شرایط مادی و حیثی فرد بدلیل جرم کاهش پیدا می کند (2007: 83, Milovanovic). این جرایم گاه باعث تلف اموال می شود مانند سرقت یا سبب آسیب به سلامتی یا زندگی شود مانند ضرب و جرح یا قتل یا باعث از دست رفتن آبرو و حیثیت شود مانند تجاوز.

ب) جرایم سرکوب کننده معنوی: جرایمی هستند که فرد یا گروه آسیب دیده بخاطر تبعیض جنسیتی یا نژادپرستی یا مذهبی و غیره در محدودیتی قرار می گیرد و از دست یابی به هدف و موقعیت شغلی مطلوب باز می دارد (2000: 6, Henry and Milovanovic). جرایم تبعیضی و تبعی اصولاً در قسمت جرایم سرکوب کننده معنوی جای می گیرند مانند نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف. رفاه و امنیت، مکان زندگی مناسب، امکانات درمانی مناسب و درآمد آبرومندانه باید برای تمام افراد تامین شود. جرم حقیقی، نقض این حقوق است؛ در واقع، جنگ، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و اعمالی که موجب فقر می شوند پیامد نظام مدرنیته بوده و عامل اصلی این جرایم را باید در سیستم مدرنیته جستجو کرد بنابراین می توان گفت جرایم سرکوب کننده، جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی و اولیه انسان هاست، هیچ نهاد رسمی حاکمیتی حق ندارد شهروندان را از حقوق ذاتی شان محروم کند (2001: 51, Mclaughline & Muncie).

¹ Restorative Justice.

(- ماده ۶۶ (اصلاحی ۲۴/۳/۹۴)

۲- سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.^۲

۳-۲. جرایم جنسیتی

فمنیسم های پست مدرن بر این عقیده اند که جامعه ی امروز، تعریف جنس را تغییر داده است و تجاوز به همسر جرم انگاری شده و سلطه مرد بر زن پایان یافته است. با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مذكر مداری در آن یک برجستگی خاصی دارد که در تعارض با این گفتمان است. (سجادی ۱۳۸۴: ۲۹). در خصوص جرایم تبعیضی، زنا ی غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی غیر مسلمان است. همچنین قسمت آخر ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد در قصاص عضو لازم به پرداخت نصف دیه نیست (تبعیض دینی) و هکذا در ماده ۳۸۲.

جرایم تبعیضی اصولاً جزء جرایم سرکوب کننده معنوی هستند مانند نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف. این نوع جرایم ممکن است به صورت روانی و یا فیزیکی باشد. یعنی هنگامی که مردم از عوامل تحمیلی خارجی مانند فقر، تبعیض جنسیتی، نژادپرستی و یا هر محدودیت ساختاری دیگر رنج می برند، این ساختار به طور مشابه آنها را به عنوان قربانیان جرم می بیند. قربانیانی که از این جرائم آسیب می بینند در روابط نابرابر قرار دارند، محدودیت های ساختاری را تجربه می کنند و از درد انکار شدن انسانیت و کرامت خود در رنج اند. رفاه و امنیت، مکان زندگی مناسب، امکانات درمانی مناسب و درآمد آبرومندانه باید برای تمام افراد تامین شود. جرم حقیقی، نقض این حقوق است؛ در واقع، جنگ، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و اعمالی که موجب فقر می شوند پیامد نظام مدرنیته بوده و عامل اصلی این جرایم را باید در سیستم مدرنیته جستجو کرد. (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۹۲) هیچ نهاد رسمی حاکمیتی حق ندارد شهروندان را از حقوق ذاتی شان محروم کند. بر این اساس، جرم شناسی پست مدرن هدف خویش را فراهم آوردن مجال مشارکت کامل افراد در جامعه و فرآیند قانونگذاری می داند، بدون آنکه عواملی مانند؛ نژاد، قومیت، جنس و طبقه مجال اثر گذاری بر این مشارکت بیابد.

در خصوص جرایم تبعیضی، زنا ی غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی غیر مسلمان است. همچنین قسمت آخر ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد در قصاص عضو لازم به پرداخت نصف دیه نیست (تبعیض دینی) و هکذا در ماده ۳۸۲.

ماده ۳۸۸- زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می کند به قصاص محکوم می شود... ولی اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود.

ماده ۳۸۲- هر گاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است؛ لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیر مسلمان به سبب قتل زن غیر مسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آن ها لازم است.

ماده ۳۸۸- زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند... لکن اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود.

ماده ۳۸۲- هر گاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است؛ لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیر مسلمان به سبب قتل زن غیر مسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آن ها لازم است

ماده ۱۹۹- نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در تفخیز، لواط مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد.

ماده ۳۰۱- قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد. (شیریان، ۱۳۹۹: ۶۷)

پست مدرن ها با تکیه بر ساختار شکنی و شالوده شکنی معنای کلمات و تعاریف کلیشه ای، تعریف جدید و معنای نو از تجاوز جنسی، روابط زناشویی و رضایت بیان کردند. معنای رضایت در روابط زناشویی تغییر کرد و سلطه مرد بر زن در کشورهایی که این جرم را جرم انگاری کردند در خانواده پایان یافته است و زن و مرد با هم برابر هستند

۳-۳. جرایم یقه سفید

در تقسیم بندی جرایم به یقه چرکین و یقه سفید، جرایم یقه چرکی یا یقه آبیها که بزعم پست مدرنها حجم بالای زندانهای ما را تشکیل میدهد و جرایم یقه سفید که به جرایم فسفری مغزی مشهور است جرایمی هستند که اصولاً بدلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی قدرت دستگیری و محاکمه آنها را ندارد. (میلووانویس، ۱۹۹۷: ۶۲)^۱ که اختلاس های میلیاردی و پرونده های کلان فساد اقتصادی دهه ی چهارم انقلاب اسلامی در کشورمان که با سکوت و تسامحی برخورد کردن مراجع قضایی و اختصاری اعلام کردن اسامی مختلسین تحت عناوین (ب - ز)، (ف - ن - د) و.... مواجه شد، میزان مشروعیت دولت را در افکار عمومی بشدت پایین آورد. از منظر این رویکرد، مهمترین آسیب جرایم یقه سفید، همین تبعات غیرمستقیم ولی سنگینی است که بر فضای عمومی جامعه تأثیر می گذارد، اعتماد مردم از نهادهای عمومی را سلب می نماید، حس بدبینی را در میان اقشار جامعه گسترش می دهد و در نهایت موجب ناامیدی افراد جامعه از دستیابی به اهداف خود در زندگی ایجاد حس بیگانگی میان مردم و دولت می گردد. (ماتیسن توماس، ۱۹۹۰: ۸۱)^۲ دلیل عدم جرم انگاری صریح و قاطع در جرم انگاری یقه سفید، با مولفه اول پسامدرن که همان پدیده ی قدرت حاکم است تناسب دارد.

اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و فعالیت شرکت های هرمی (۱۳۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) هرچند بی تاثیر نبوده؛ اما به نظر می رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی شهروندان است و معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۳۳).

لازم به ذکر است با توجه به رویکرد انتقادی جرم شناسی پسامدرن، روند تصویب قوانین نسبت به جرایم یقه سفید در کشور در دهه های اخیر، به رغم تجربه فراز و فرودهای مختلف و تغییرات نامتوازن در مقررات ناظر بر این جرایم، توجه چندانی به حقوق مصرف کنندگان، کارگران و محیط زیست نداشته است. جدیدترین تحولات قانونی ناظر بر جرایم یقه سفید از سال ۱۳۹۰ به این سو نیز، وجود رویکردهای پراکنده و نامنسجم در قانونگذاری، نبود نگرش های سیستمی به موضوع جرایم یقه سفید، موجب گردیده با وجود قرارگیری در دهه ی چهارم انقلاب اسلامی و تجربه کردن حوادث تلخی همچون پرونده های کلان فساد اقتصادی و اختلاس های میلیاردی برنامه های منسجم و کارآمدی به منظور مقابله و کنترل جرایم یقه سفید ارائه نشده و چشم انداز روشنی نیز در این زمینه قابل ترسیم نباشد.

¹ - Milovanovic

² - Mathiesen, Thomas .

۳-۵. جرایم حدود الهی و مفروضات قانونی

قانون مجازات اسلامی به حدود، قصاص، دیات و جرایم تعزیری و بازدارنده تقسیم شده است. از یک سو در مباحث حدود الهی و احکام تکلیفی قصاص و دیات بلحاظ مفروض و تعبدی بودن، امکان اجتهاد، پویایی و تحول در آموزه های اسلامی وجود ندارد بعنوان نمونه، حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا، هشتاد ضربه شلاق در شرب خمر بدون کم یا زیاد، سن مسئولیت کیفری ۹ سال برای ذکور و ۱۵ سال برای انوث بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و روانشناختی با بینش پسامدرن فاصله دار است. قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی، از پیش فرض های اندیشه ی پسانوگرایی است. اینان به پلکانی و تدریجی بودن مسئولیت معتقدند. از دگرسو؛ در مباحث تعزیری اسلام؛ نوسانات صدور احکام بسیار باز است. تعزیرات حوزه مانور قانونگذار و قاضی است و دق الباب اجتهاد است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۴۷) می توان گفت اندیشه پست مدرن با این قسمت از مباحث اسلامی تناسب دارد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، بر خلاف قانون پیشین با تفصیل بیشتری به احکام و جزئیات جنایت های ارتكابی میان مسلمانان و غیرمسلمانان پرداخته شده و علاوه بر کلیات، بالغ بر ۱۰ ماده به این امر اختصاص یافته است. در قانون کنونی، احکام یاد شده با اندکی تغییر در عبارات قانونی، طی مواد ۳۰۱، ۳۱۰ و ۳۸۲ مورد تاکید قرار گرفته است همچنین مسایل دیگری که قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۷۰، احکام آنها به سکوت برگزار شده بود به صراحت مورد حکم قرار گرفته است که در ادامه به بررسی اجمالی آنها خواهیم پرداخت. در ماده ۳۱۰ قانون فعلی، مجنی علیه به دو دسته مسلمان و غیرمسلمان و سپس غیرمسلمانان به چهار دسته ذمی، مستامن، معاهد و «غیر اینها» تقسیم شده اند؛ با این حال هنوز تبعیض مذهبی یکی از مولفه های قانون مصوب ۱۳۹۲ و مخالف پسانوگرایی است.

۳-۶. جرم انگاری مثکثر و اعمال مجازات برای طبقات کم صدای جامعه

با توجه به خطرات ناشی از جرایم یقه سفید، چرا قانونگذار تکیه خود را بصورت گزینشی و جهت دار بر روی جرایم یقه چرکین معطوف کرده است. آیا بهتر نبود بجای انواع جرایم یقه چرکین، طراحی درستی نسبت به جرایم یقه سفید تنظیم میکرد؟ دلیل این همه مواد قانونی راجع به افراد طبقه پایین جامعه چیست؟ در قانون مجازات اسلامی مکررا جرم سرقت را در انحا مختلف طرح کرده است در حالیکه انتظار میرفت با وجود فسادهای کلان مالی و اختلاس های اخیر کلاهبرداری و جرایم مرتبط در سیاهه ی قوانین قرار می گرفتند. (فتیلی، ۱۴۰۰: ۲۸۱)

انواع سرقت در قانون مجازات اسلامی:

ماده ۶۵۱ هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد:

۱ - سرقت در شب واقع شده باشد.

۲ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۳ - یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

۴ - از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا...

۵ - سرقت مقرون به آزار یا تهدید...

ماده ۶۵۲ سرقت مقرون به آزار یا سارق مسلح بودن سارق...

ماده ۶۵۳ سرقت از راهها و شوارع...

ماده ۶۵۴ سرقت در شب یا تعدد سارقین..... لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد...

ماده ۶۵۶ در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد:

۱ - سرقت در محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن....

۲ - سرقت از محل حرز.....

۳ - سرقت در شب.....

۴ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵ - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده و....

۶ - دستبرد اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان.....

ماده ۶۵۷ ربودن مال دیگری از طریق کیفزنی - جیب‌بری و امثال آن....

ماده ۶۵۸ سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادف رانندگی....

ماده ۶۵۹ سرقت وسائل و متعلقات مربوط به تاسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه ... (گلدوزیان،

۱۳۹۳: ۱۰۹)

نکته ی قابل تامل در قانون مجازات اسلامی این است که بسیاری از مواد قانونی در حقوق جزای ما راجع به سرقت و طبقات کم صدای اجتماع می باشد در حالیکه کمتر به جرایم یقه سفیدها و فسادهای مالی پرداخته شده است و این همان نظر جرم شناسی پست مدرن است که بر این مدعاست که قوانین بر ساخته قدرت است و اصل قانونی بودن در خدمت طبقات صاحب قدرت است.

نتیجه گیری

با نگاه به جرم و مجازات به عنوان یک واقعیت اجتماعی از یک سو و پیچیده بودن روابط انسانی و اجتماعی از دگر سو جرم‌شناسان پست مدرن بر این باورند که به علت، پیچیدگی انسان و نظریات مختلف در گستره های زمانی و مکانی نمی توان صرفاً یک دیدگاه را در جرم انگاری لحاظ کرد؛ زیرا ممکن است امروز موضوعی مشروع و ارزش باشد و فردا به ضد ارزش و غیر مشروع جلوه داده شد. به دیده ی جرم شناسان پست مدرن، بی توجهی دولتها به مسئله فقر، بیکاری، رفاه، آموزش و عمده ی نیازهای زیستی و ساختاری مردمان اش، که آنان را در معرض آسیب پذیری قرار می دهد، جرم واقعی محسوب می شود. روا داشتن تبعیض های ایدئولوژیک و عقیدتی می تواند از موجبات و مصادیق ستم، آسیب و جرم های ناشناخته و پنهان به شمار آید. بدین سان در هر جامعه ای، کسانی که موقعیت اقتصادی و سیاسی پایینی دارند، بیشتر از سایرین در معرض درد و رنج های ناشی از سیاست های دولت قرار می گیرند. لذا جرم انگاری در بخش های "حد"، "قصاص" و "دیه"، و موارد تعبدی نظیر حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا، هشتاد ضربه شلاق ثابت در شرب خمر با هر مقدار مصرف و سن مسئولیت کیفری ۹ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر بیشترین تمایز و غرابت را با جرم شناسی پست مدرنیته دارد. در جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیه چون که با صراحت در قانون شرع بر آن تأکید شده و غیر موقت و غیر قابل تغییر است، و به سمت تمرکزگرایی، مطلق گرایی و عینی گرایی است، در نتیجه کاملاً با نگرش پست-مدرنیته مغایرت دارد. ایده ی منتج از قرائت پسانوگرایی از جرم معنای واقعی جرم بزعم اندیشمندان پسانوگرا، آسیب مادی جسمی یا جانی و حیثیتی نیست؛ بلکه جرم حقیقی نقض رفاه، امنیت، امکانات مناسب درمانی و زندگی آبرومندانه و جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی انسانهاست که

قدرت حاکم همواره با ایده های نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف این حقوق ذاتی را تحدید می کند. به دیگر سخن نقض این حقوق اولیه باعث زایش و تولد نوع دومی از رفتار هاست که تحت عنوان جرایم آسیب های مادی جسمی، حیثیتی و جانی بروز می کند که ریشه ی آن را باید در رفتار های سیاسی حاکمیت واکاوی کرد.

به اختصار می توان پیشنهادها و بایسته های قانون مجازات اسلامی از منظر پست مدرن را بشرح زیر مد نظر قرار داد:

۱- از فوائد تفکر پست مدرن در حوزه تقنینی، سیالیت و ژله ای بودن مفاهیم و پارادایم های حقوقی در جهت پرهیز از مفروضات و مفاهیم لایتغیر قانونی که تجلی گاه یک نوع تروریسم فکری است. رد مفروضات در قانونگذاری از قبیل، پرداخت نفقه به شرط تمکین، لایتغیر بودن سن مسئولیت کیفری و حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا.

۲- حذف جرایم تبعی و محرومیت از حقوق ذاتی و اجتماعی شهروندان.

۳- پاسخ صریح و قاطع نظام عدالت کیفری به جرایم یقه سفید و مفسدین اقتصادی و دولتمردان و سلب مصونیت از آنها.

۴- برابری فرهنگی، نژادی، قومی، زبانی، اعتقادی و سیاسی در جرم انگاری و پرهیز از هر نوع تفکیک جنسیتی و مذكرمداری در قانونگذاری. برابری دیه و قتل و قصاص مسلمان و غیر مسلمان، برده و آزاده، زن و مرد، سیاه و سفید.

۵- توسع بخشی به عدالت ترمیمی و ترقیق حقوق کیفری، جهت جلوگیری از برچسب زدن به شهروندان و اهتمام بیشتر به سازمان های مردم نهاد وفق ماده ۶۶ ق. آ. د. ک و مواد ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ این قانون. قانونگذار در اجرای مواد ۶۳ تا ۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضمانت اجراهای کیفری - خدماتی، جزای نقدی را جایگزین کیفر حبس قرار داده است و تا حدودی سعی بر تعدیل مجازات ها داشته اند.

۶- پرهیز از پدر سالاری حقوق کیفری و جرم زدایی استفاده از تجهیزات ماهواره ای در پناه احترام به وجدان جمعی.

۷- کنار گذاشتن جرایم و اصطلاحات وارداتی نظیر قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی.

۸- توجه بیشتر به اصل فردی کردن مجازاتها، قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات های تعزیری این مهم عنایت داشته است.

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۲ش، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی» فصل نامه پژوهش حقوق کیفری شهر دانش، ش ۵.
- (۳) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۳ش، مفهوم جرم شناسی بزه، ترجمه متن رمون گسن، برگرفته از مجموعه مقاله تازه های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، چ ۱، ج ۲.
- (۴) ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۷ش، مجموعه تقریرات جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- (۵) ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، تقریرات جرم شناسی به کوشش شهرام ابراهیمی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- (۶) احمدی، مهدیه؛ افشین مهر، وحید؛ عامری سیاهویی، حمید رضا، ۱۳۹۰ش، آشنایی با معماری معاصر، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- (۷) استراترن، پل، ۱۳۸۹ش، آشنایی با دریدا، ترجمه پویا ایمانی، تهران، نشر مرکز.
- (۸) استنگروم، جرمی؛ گاروی، جیمز، ۱۳۸۹ش، فیلسوفان بزرگ از سقراط تا فوکو، ترجمه ابوالفضل توکلی شاندیز، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- (۹) آقایی، کامران، ۱۳۸۸ش، مکتب های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی، تهران، نشر میزان.
- (۱۰) بابایی، پرویز، ۱۳۹۰ش، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی - فارسی)، تهران، انتشارات نگاه.
- (۱۱) بست، ژان میشل، ۱۳۷۲ش، جامعه شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحیدا، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- (۱۲) جعفری، مجتبی، ۱۳۹۱ش، رویکرد جنبش مطالعات انتقادی حقوق به حقوق کیفری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۱۳) جمعی از مولفان شورای جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۴ش، (واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی)، گزارش جرم زدایی اروپا، قم، انتشارات سلسبیل، چ ۱، ج ۱.
- (۱۴) حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۵ش، مجموعه کل قوانین و مقررات جزایی، تهران، گنج دانش.
- (۱۵) حسن، احب، ۱۳۸۴ش، «از پست مدرنیسم به پست مدرنیته»، ترجمه زهرا گلپایگانی، سروش اندیشه، سال سوم. ش ۱۰.
- (۱۶) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۹۱ش، گذار از مدرنیته، نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، نشر آگاه.
- (۱۷) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۸۱ش، گذر از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، آگاه، چ ۲.
- (۱۸) دلماس مارتی، می ری، ۱۳۸۱ش، نظام های بزرگ سیاسی جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ج ۸.
- (۱۹) رحمانیان، منصور، ۱۳۷۸ش، «تأثیر رسانه های گروهی بر پیشگیری از جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، استاد راهنما دکتر ایرج گلدوزیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- (۲۰) رفیعی، غلامرضا، ۱۳۸۱ش، «ضرورت توسعه و تحول حقوق بین المللی فضایی در هزاره ی سوم»، گروه مطالعات حقوقی و -سیما، تهران، سروش.
- (۲۱) روسو، ژان ژاک، ۱۳۸۴ش، قرارداد اجتماعی، تهران، انتشارات ققنوس.
- (۲۲) ریفکین، جرمی، ۱۳۸۳ش، «از مدرنیسم تا پست مدرنیسم»، ماهنامه سیاحت غرب، ش ۱۵.

- (۲۳) زمانی، سیدقاسم، ۱۳۸۱ ش، «جایگاه اصل آزادی در حقوق بین المللی، گروه مطالعات حقوقی صدا و سیما» تهران، سروش.
- (۲۴) ساراپ، مادن، ۱۳۸۲ ش، راهنمایی مقدماتی برپسا ساختارگرایی، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، نشر نی.
- (۲۵) ساقیان، محمد مهدی، ۱۳۹۴ ش، «اصل برابری سلاح ها در فرایند کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۶ و ۵۷
- (۲۶) سجادی، مهدی، ۱۳۸۴ ش، «فمنیسم در اندیشه پست مدرنیسم»، مطالعات راهبردی زنان. ش ۱۳۲.
- (۲۷) شهابی، مهدی، ۱۳۹۲ ش، «از حقوق مدرن تا حقوق پست مدرن؛ تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۱.
- (۲۸) عبدالفتاح، عزت، ۱۳۸۱ ش، «جرم چیست و معیارهای جرم انگاری کدام است؟»، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۴۱.
- (۲۹) فرجیها، محمد، ۱۳۷۶ ش، «جنبه هایی از تأثیر یافته ها و جرم شناسی بر سیاست جنایی»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، ش ۱.
- (۳۰) فوکو، میشل، ۱۳۷۸ ش، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران، نشر نی.
- (۳۱) قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۹ ه ق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق، چ ۲، ج ۱.
- (۳۲) قیاسی، جلال الدین، ۱۳۸۵ ش، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱.
- (۳۳) کاظمی، مهدی، ۱۳۹۴ ش، «پست مدرنیسم و باز-خوانی اندیشه کیفری»، رساله دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- (۳۴) گلدوزیان، دکتر ایرج، ۱۳۹۳ ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چ ۲.
- (۳۵) لچت، جان، ۱۳۹۲ ش، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی، ترجمه محسن حکیمی، تهران، نشر خجسته.
- (۳۶) مجموعه قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) تنظیم اداره ی کل قوانین، چاپ مجلس شورای اسلامی.
- (۳۷) موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۶ ش، «جامعه شناسی جنایی، نگرشی بر نظریه های جرم شناسی»، تقریرات مقطع کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیسان قم.
- (۳۸) مهاجری، عباسعلی، ۱۳۸۸ ش، فرهنگ دوسویه علوم سیاسی، تهران، انتشارات دانشیار، چ ۲.
- (۳۹) نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱-۱۳۹۲ ش، تقریرات درس جرم شناسی (از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۴۰) نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۸ ش، پست_مدرنیسم "تعاریف، نظریه ها و کار بست ها"، تهران، نقش جهان، چ ۳.
- (۴۱) نوذری، حسینعلی، ۱۳۷۹ ش، صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته، بسترهای تکوین تاریخی و زمینه های تکامل اجتماعی، تهران، نقش جهان.
- (۴۲) نیازی، محسن؛ محمدی، محمد صدیق، ۱۳۹۳ ش «چرخش گفتمان تبیین جرم، از دوره ی کلاسیک تا پست مدرنیسم»، مجله کاآگاه، ش ۲۹.
- (۴۳) نیچه، فردریش، ۱۳۸۵ ش، فلسفه، معرفت و حقیقت، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، نشر هرمس.

- (۴۴) واربرتون، نایجلی، ۱۳۹۱ش، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، تهران، نشر ققنوس.
- (۴۵) وارد، گلن، ۱۳۹۲ش، پست مدرنیسم، ترجمه قادر فخری رنجبری و ابوذر کرمی، تهران، نشر ماهی.
- (۴۶) وایت، راب؛ هینز، فیونا، ۱۳۹۲ش، جرم و جرم شناسی، متن درسی نظریه های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۵.
- (۴۶) وبستر، فرانک، ۱۳۸۲ش، نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه مهدی داوودی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- (۴۷) ولد، جرج و دیگران ۱۳۸۰ش، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت.
- (۴۸) ون هام، فرانسواز، ۱۳۹۱ش، آسیب اجتماعی شناسی: رشته جدید، توسعه قلمرو جرم شناسی؟، ترجمه سیدحسین حسینی و اقبال محمدی، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی)، بنیاد حقوقی میزان، ج ۱.
- (۴۹) هیکس، استیون، ۱۳۹۱ش، تبیین پست مدرنیسم. شک گرایی و سوسیالیسم، از روسو تا فوکو، ترجمه حسن پورسفیر، تهران، نشر ققنوس.
- (۵۰) فتیلی، صادق، قدیری، رشید، صادق نژاد، مجید، نقدی، توسعه، مریم، جرائم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری: بررسی کاربردی چالش ها و دستاوردها، نشریه علمی پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی دوره ۹، شماره ۱۸، بهمن ۱۴۰۰ صفحه ۲۸۱-۳۰۲.
- (۵۱) فلسفه عدالت سزاگرایی، ناظر است بر مجازات مجرمین به خاطر اینکه سزاوار آن هستند (علی صفاری، به نقل از جهاندار اکبری، مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹)، ۳۶۷)
- (۵۲) اختری، عباس و حسینعلی موذن زادگان، «جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۲۶ (۱۳۹۸): ۲۶.
- (۵۳) عارف رشنودی و زهرا میرزایی، چالش ها و دستاوردهای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (تهران: اندیشه نوین، ۱۴۰۰)، ۳۹.
- (۵۴) رستمی، هادی و سید پویا موسوی «مصالح عالیه کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ های تعزیرمدار»، حقوق دادگستری ۱۱۲ (۱۳۹۹): ۱۱۲
- (۵۵) شیریان، نسل مریم، بابک ب، «تورم جمعیت کیفری زندان ها و نقض مقررات بین المللی حقوق بشر؛ علت ها و راهبردها»، مطالعات بین المللی ۶۷ (۱۳۹۹): ۶۷
- (۵۶) پرچمی، داود و فاطمه درخشان، «بررسی مجازات اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه شناسی ۴۰ (۱۳۹۷): ۴۰

منابع لاتین

50. Becker- Howard (1963) outsiders: studies in the sociology of Deviance, New York: free/press.
51. Beown, Sheila (2005) , understanding youth and crime. Open unicerdity press, Mc Craw-Hill education.

52. Carrington, K. (1998). "Postmodernism and Feminist Criminologies: Fragmenting the Criminological Subject". 53. in *The New Criminology Revisited*. Walton, P. & Young, J. (eds.). London: Macmillan.
54. Cohen, eds. , *Punishment and Social Control*. New York: Aldine De Gruyter.
55. Cowling, Mark (2006) , *Postmodern Policies? 4-The Erratic Interventions of Constitutive Criminology* ww. Internet Journal of Criminology.
56. Druzin, B (2012) *Finding Footing in a Postmodern Conception of Law* ,Postmodern Openings, Volume 3, Issue 1, March.
57. Garland, D. (1995) , 'Penal Modernism and Post-Modernism', in Thomas G. Blomberg and Stanely
58. Henry Stuart and Milovanovic, Dragan (2000) , *Constitutive Criminology: Origins,Core Concepts, and Evaluation*, Social Justice Vol. 27, No. 2
59. Henry, S. (2009). *Social constution of crime*. in: *21st Century Criminology*, edited by j. Mitchell Miller. Sage.
60. Kiely, Ray (1995) , *Sociology and Development: The Impasse and Beyon* London: UCL Press.
- Lanier, M. M, & Henry,S. (2004). *Essential criminology* ,2nd ed. Boulder CO: Westview Press.
61. Longstreet, W. S. (2003). *Early postmodernism in social education: Revisiting "Decision making: The heart of*
- Mathiesen, Thomas (1990) , *Prison on Trial A Critical Assessme*, london sage.
62. Milovanovic 1997 Milovanovic, Dragan (1997) , *Postmodern criminology*, Garland Publishing
- Milovanovic,D. (2007). *Legalistic definition of crime*.
63. Morrison, Warne (1995) , *Theoretical criminology: from Modernity to Postmodernism*, Cavendish publishing limited, Routledge-Cavendish;1 Edition
64. Norris, Clive and Michael Mccahill (2006) , *CCTV: Beyond Penal Modernism?*, British Journal of Criminology,vol 46.
66. Schur, Edwin (1971) , *Labeling Deviant Behavior: its sociological implicatios*, New York, Harper and row.
67. Simon, Jonathan And Malcolm Feeley (1995) , *True Crime: The New Penology and Public Discourse on*
68. 69. *Crime'*, in Thomas G. Blomberg and Stanley Cohen, eds. , *Punishment and Social Control*,. New York: Aldine De Gruyter.